

بازشناسی و توصیف گویش اردستانی

قربانعلی ابراهیمی*

چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی و توصیف «گویش اردستانی» می‌پردازد. اردستان در شمال شرق اصفهان واقع شده است و با شهرهای گرمسار، کوهپایه‌ی اصفهان، شهرستان اصفهان، نائین، نطنز، آران و بیدگل همسایه است. گویش اردستانی در مجموعه‌ای همسان به نام گویش‌های مرکزی ایران قرار دارد. در مجموعه گویش‌های ایران مرکزی، «گویش اردستانی» به همراه گویش‌های انارکی، بهدینی، نائینی، زفره‌ای و کلیمیان یزد و کرمان جزء «گویش‌های جنوب شرقی» دسته‌بندی می‌شود. گویش‌های مرکزی ایران خود در مجموعه‌ی بزرگتری به نام «گویش‌های ایرانی غربی» قرار دارد. «گویش اردستانی» به لحاظ آوایی از گویش‌های پیچیده‌ی ایرانی است و متأسفانه به جز دو مقاله‌ی خارجی از «هارولد بیلی» و «پی‌یر لکوک» تاکنون کار شایان و ارجمندی درباره‌ی آن انجام نگرفته است. این پژوهش «گویش اردستانی» را در سه سطح آوایی، صرفی و نحوی بررسی و توصیف می‌کند.

واژگان کلیدی: گویش‌های ایران مرکزی، گویش اردستانی، توصیف واجی،

توصیف صرفی و نحوی.

* عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد Email: gh-ebrahimi@iaun.ac.ir

۱. مقدمه

۱.۱. گویش اردستانی

گویش اردستانی در مجموعه‌ای همسان به نام گویش‌های مرکزی ایران قرار می‌گیرد. مجموعه‌ی گویش‌های مرکزی ایران خود جزء گویش‌های ایرانی غربی است. این تقسیم‌بندی براساس ارتباط خانوادگی، زبانی، موقعیت جغرافیایی و هویت قومی این گویش‌ها بوده است. گویش‌های مرکزی ایران به نظر ویندفور هسته‌ی گویش‌های غربی است. (اشمیت، ۱۳۸۳: ۴۸۵) مهم‌ترین گویش‌های ایرانی غربی که گویش‌های مرکزی ایران را احاطه کرده است عبارت‌اند از: کردی، تالشی، تاتی، هرزنی، وفسی، الویری، گویش‌های حاشیه‌ی دریای خزر، گیلکی، مازندرانی، بلوچی، بشاگردی، دوانی، سیوندی، لری و کمزاری.

گویش‌های مرکزی ایران را به چهار گروه تقسیم کرده‌اند:

۱. گویش‌های شمال غربی شامل گویش‌های خوانساری و محلاتی و انشانی.
۲. گویش‌های شمال شرقی، شامل گویش‌های آرنی، گویش کلیمیان کاشان، قهرودی، جوشقانی، ایبانه‌ای، فریزندی، یرندی، میمه‌ای، سویی، کشه‌ای، تاری، نطنزی، ابوزیدآبادی، بادرودی.
۳. گویش‌های جنوب غربی، شامل گویش‌های سده‌ای، کفرانی، گزی، یهودیان اصفهان، ورزنه‌ای.
۴. گویش‌های جنوب شرقی، شامل گویش‌های اردستانی، انارکی، بهدینی (گویش زردشتیان یزد و کرمان) نائینی، زفره‌ای، گویش کلیمیان یزد و کرمان.
خارج از این تقسیم‌بندی باید از گویش‌های زیر نیز یاد کرد:
 ۱. از گویش‌های تفرش شامل وفسی، آشتیانی، کهگی، آمره‌ای، الویری و ویدری.
 ۲. گویش‌های دشت کویر، شامل گویش‌های: خوری، فروی، مهرجانی و(اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۱۸-۵۱۷) و (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۰: ۴-۳).

۲.۱. پیشینه‌ی مطالعات گویش اردستانی

به جز مطالعات پراکنده‌ی «ویلhelm گایگر» و «ژوکوفسکی» و «ایوانوف» که فقط اشاره‌ای به گویش اردستانی کرده‌اند، (اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۱۷)، نخستین پژوهش مستقل را «هارولد بیلی» در سال ۱۹۳۲ درباره‌ی گویش اردستانی انجام داده است و مقاله‌ی او با عنوان «اردستانی» (Ardistānī) در سال ۱۹۳۵ در Bsos به چاپ رسید. (: 1935 Bailey:739). پژوهش‌های بعدی توسط «پی‌رلکوک» صورت گرفته است. کارهای لکوک شامل یک مقاله با عنوان «اردستانی» (ARDESTANI) در IRANICA EncycloPedia جلد دوم. (Lecoq. 1982: 751 II) و مقاله‌ای دیگر با عنوان «گویش‌های مرکزی ایران، گویش‌های جنوب شرقی» در راهنمای زبان‌های ایرانی است که به مقایسه و تطبیق گویش‌های اردستانی، یزدی، کرمانی، کلیمیان کرمان، نائینی، انارکی و زفره‌ای پرداخته است. (اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۳۹-۵۱۷).

۳.۱. وضعیت اقلیمی و نیروی انسانی اردستان

شهرستان اردستان [ardestān] با مساحتی حدود ۱۱۵۹۳ کیلومتر مربع، بین ۵۱ درجه تا ۵۵ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۲۲ دقیقه‌ی عرض شمالی قرار گرفته است. این شهرستان در شمال شرق اصفهان واقع شده است. اردستان از شمال به ارتفاعات جنوبی دشت کویر (شهرستان گرمسار)، از جنوب به بخش کوهپایه‌ی شهرستان اصفهان، از جنوب غرب به بخش برخوار شهرستان برخوار و میمه، از شرق به شهرستان نائین و از غرب به شهرستان‌های نطنز، آران و بیدگل محدود است. آب‌وهوای منطقه تحت تأثیر رشته‌کوه‌های محلی و کویر مرکزی ایران است؛ بنابراین دو نوع آب‌وهوای بیابانی و کوهستانی دارد. ناحیه‌ی گرمسیر آن در شمال، آب و هوای گرم و خشک و نواحی جنوبی و کوهستانی آن آب و هوای معتدل و خشک دارد.

میزان بارندگی سالیانه به سبب واقع شدن در حاشیه‌ی کویر نمک خصوصاً در ناحیه‌ی گرمسیر، کم و در مقابل، مقدار تبخیر رطوبت زیاد است. این منطقه، رودخانه‌ی عمده‌ی دائمی ندارد و منابع تأمین آب شرب و کشاورزی، قنات‌های متعددی است که مادرچاه آن‌ها بیشتر واقع در دامنه‌ی کوهستان‌های جنوبی است.

شغل اصلی اهالی کشاورزی و باغداری است. مهم‌ترین محصولات منطقه عبارت‌اند از: گندم، جو، پنبه، کنجد، کرچک، علوفه‌ی دامی و صیفی‌جات و محصولات باغی پرثمر آن عبارت‌اند از: انار، انجیر، پسته، بادام، زردآلو، گردو، توت، انگور و قیسی. دامداری نیز در منطقه به شکل سنتی رواج دارد.

قالی‌بافی از گذشته‌های دور در اردستان متداول بوده، قالی‌ها و قالیچه‌های اردستان کیفیت خوبی دارند. در گذشته صنایعی هم‌چون جاجیم‌بافی، کرباس‌بافی، گلیم‌بافی، عبابافی، ابریشم‌بافی، بافت البسه و آهنگری نیز رواج داشته است. ریسمان خام، قالی، سنگ مرمر و نمک از نمونه‌های عمده‌ی صادراتی آن محسوب می‌شود.

شهرستان اردستان با مرکزیت شهر اردستان جمعیتی بالغ بر ۴۵۱۵۰ نفر (سرشماری سال ۱۳۷۵) دارد. از این تعداد حدود ۵۷ درصد شهرنشین و ۴۳ درصد روستانشین هستند. هم‌چنین به لحاظ جمعیت، پانزدهمین شهرستان استان اصفهان محسوب می‌شود که حدوداً ۱/۲ درصد جمعیت استان را داراست. دین اهالی اسلام و مذهب آن‌ها شیعه است.

این شهرستان در حال حاضر مشتمل بر دو بخش است:

۱. مرکزی. ۲. زواره. هم‌چنین اردستان سه نقطه‌ی شهری به نام‌های اردستان، زواره و مهاباد دارد.

این شهرستان مجموعاً ۱۴۷ روستای دارای سکنه و ۳۷۲ مزرعه‌ی مستقل و ۱۸۸ مزرعه‌ی تابع و ۱۰۲ مکان مستقل و ۳۲ مکان تابع و در مجموع ۸۴۱ روستا، مزرعه و مکان دارد.

۴.۱. شهر اردستان

شهر اردستان بر لبه‌ی کویر مرکزی (کویر نمک) در فاصله‌ی ۱۱۵ کیلومتری شهر اصفهان در طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۲۲ دقیقه‌ی شرقی و ۳۳ درجه و ۲۲ دقیقه‌ی عرض

شمالی قرار گرفته است. ارتفاع شهر نسبت به دریا ۱۲۰۵ متر است. آب و هوای شهر اردستان گرم و خشک است و حدود ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد. شغل اصلی اهالی اردستان کشاورزی، باغداری، دامداری، صنایع دستی، مشارکت در کارهای اداری و خدمات شهری است.

۵.۱. وجه تسمیه‌ی اردستان

درباره‌ی وجه تسمیه‌ی اردستان نیز نظرهای گوناگونی وجود دارد که بیشتر آن‌ها مبنای علمی ندارد. اما گفته‌ی جکسون پذیرفته‌تر از بقیه‌ی گفته‌هاست؛ جکسون می‌گوید: «نام اردستان خود دلیل قدمت این مکان است، زیرا کلمه‌ی اردستان یا به طور دقیق‌تر *ardastāna aθagaina* نامی است که در دوران هخامنشی به ساختمانی سنگی اطلاق می‌شده و مثلاً در تسمیه‌ی پنجره‌های سنگی کاخ داریوش در تخت جمشید به کار رفته است.» (جکسون، ۱۳۶۹: ۴۵۸)

اردستان در گویش محلی *a:sōn* (اسون) نامیده می‌شود. (با حذف «ر») و دماغی شدن مصوت *ō* و ساییده‌شدن *n* در تلفظ)

۲. توصیف واجی

الف) صامت‌ها

۱.۲. توصیف واجی

۱.۱.۲. /p/ : انسدادی، دولبی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «پ».

/t-/p/ : «چوب الک دولک»، *tel* «شکم».

- por : /b-/p/ «پسر»، bor «دسته، گروه».
- ۲.۱.۲. /b/ : انسدادی، دو لبی، باواک، با علامت نوشتاری «ب».
- /p-/b/ : این دو صامت در شماره‌ی ۱ با هم مقایسه شده است.
- bor : /d-/b/ «گروه، دسته»، dorr «داس».
- bur : /m-/b/ «بار»، mur «مار».
- ۳.۱.۲. /t/ : انسدادی، دندانی لثوی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «ت».
- ti : /p-/t/ «خار»، pi «پیه، چربی».
- tong : /d-/t/ «ظرف آب‌خوری»، dong «یک‌ششم».
- ti : /s-/t/ «تیغ»، si «سی، عدد».
- ۴.۱.۲. /d/ : انسدادی، دندانی لثوی، باواک، با علامت نوشتاری «ت».
- /t-/d/ : این دو صامت در شماره‌ی ۳ با هم مقایسه شده است.
- dā : /n-/d/ «دعا»، nā «نار».
- dād : /s-/d/ «درد»، sād «نردبان».
- ۵.۱.۲. /k/ : انسدادی، دندانی لثوی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «ت».
- kel : /t-/k/ «کلید»، tel «شکم».
- kar : /g-/k/ «ناشنوا»، gar «کچل».
- kol : /q-/k/ «شل»، qol «جوش آمدن مایع».
- ۶.۱.۲. /g/ : انسدادی، نرم‌کامی، باواک، با علامت نوشتاری «گ».
- /k-/g/ : این دو صامت در شماره‌ی ۵ با هم مقایسه شده است.
- gel : /d-/g/ «نوک»، del «دل، قلب».
- gabr : /q-/g/ «زرتشتی»، qabr «قبر».
- gā : /s-/g/ «گاو»، sā «واحد وزن معادل ۱۵۰۰ گرم».
- ۷.۱.۲. /q/ : انسدادی، نرم‌کامی، باواک، با علامت نوشتاری «ق».
- /g-/q/ : در شماره‌ی ۶ با هم مقایسه شده است.

/x/-/q/ : در شماره‌ی ۱۶ با هم مقایسه شده است.

/k/-/q/ : در شماره‌ی ۵ با هم مقایسه شده است.

۸.۱.۲. />/ : انسدادی چاکنایی، بی‌واک. (همزه)

/q/-/>/ : >orr «آسیاب»، qor «فَتق، غر و لند».

۹.۱.۲. /f/ : سایشی، لپی‌دندانی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «ف».

/n/-/f/ : fāl «فال»، nāl «نعل».

/p/-/f/ : fāl «فال»، pāl «بال».

۱۰.۱.۲. /v/ : سایشی، لپی‌دندانی، باواک، با علامت نوشتاری «و».

/l/-/v/ : vōng «بانگ، اذان»، lōng «لُنگ».

/y/-/v/ : vu «دعا»، yu «با هم».

/m/-/v/ : vel «رها»، mel «آماده‌ی جفت‌گیری (گاو)».

۱۱.۱.۲. /s/ : سایشی، دندانی‌لثوی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «ث، س، ص».

/z/-/s/ : sol «ناودان»، zol «ژل، چشم‌درچشم، آب دهان».

/š/-/s/ : su «بینایی، روشنایی»، šu «شوهر».

/n/-/s/ : sang «سنگ»، nang «ننگ».

/d/-/s/ : این دو صامت در شماره‌ی ۴ با هم مقایسه شده است.

/t/-/s/ : این دو صامت در شماره‌ی ۳ با هم مقایسه شده است.

۱۲.۱.۲. /z/ : سایشی، دندانی‌لثوی، باواک، با علامت نوشتاری «ذ، ز، ض، ظ».

/s/-/z/ : این دو صامت در شماره‌ی ۱۱ با هم مقایسه شده است.

/š/-/z/ : zel «ماست بسیار ترش»، šel «ترکه‌ی درخت».

/j/-/z/ : zāde «زرده»، jāde «جاده».

۱۳.۱.۲. /š/ : سایشی، لثوی‌کامی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «ش».

/s/-/š/ : این دو صامت در شماره‌ی ۱۱ با هم مقایسه شده است.

/z/-/š/ : این دو صامت در شماره‌ی ۱۲ با هم مقایسه شده است.

- šī : /č̣/-/ṣ̌/ «شیر خوراکی»، čī «چه، چه چیزی».
- ۱۴.۱.۲ : /ɣ/ : سایشی، ملازی، باواک، با علامت نوشتاری «غ».
- bāq sure «پدرزن» : /q/-/ɣ/
- zāy «زاغ»، zār «زار» : /r/-/ɣ/
- dāyōn «داغان، ویران»، dālōn «دالان» : /l/-/ɣ/
- ۱۵.۱.۲ : /x/ : سایشی، نرم‌کامی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «خ».
- /h/-/x/ : در شماره‌ی ۱۷ مقایسه شد.
- xer «گلو»، qer «قر و اطوار» : /q/-/x/
- ۱۶.۱.۲ : /h/ : سایشی، چاکنایی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «ح، ه».
- hāši «بچه‌شتر»، kāši «کاشی» : /k/-/h/
- hār «زمین تشنه»، xār «خوار، سبک» : /x/-/h/
- ۱۷.۱.۲ : /č̣/ : لثوی کامی، انفجاری سایشی، بی‌واک، با علامت نوشتاری «چ».
- čö «چوب، کوچک»، kö «کود، کوه» : /k/-/č̣/
- čār «چهار»، šār «سار (پرنده)» : /ṣ̌/-/č̣/
- ۱۸.۱.۲ : /j/ : لثوی کامی، انفجاری سایشی، باواک، با علامت نوشتاری «ج».
- /z/-/j/ : در شماره‌ی ۱۴ مقایسه شد.
- jil «زیرگلی مرغ»، čil «وسیله‌ای برای نگهداری حبوبات» : /č̣/-/j/
- jār «فریاد»، yār «یار» : /y/-/j/
- ۱۹.۱.۲ : /m/ : دولبی، خیشومی، باواک، با علامت نوشتاری «م».
- /b/-/m/ : این دو صامت در شماره‌ی ۲ با هم مقایسه شده است.
- mor «دست‌نخورده»، por «پسر» : /p/-/m/
- māmā «مادر»، nānā «نعناع» : /n/-/m/
- ۲۰.۱.۲ : /n/ : دندان‌لثوی، خیشومی، باواک، با علامت نوشتاری «ن».
- /d/-/n/ : این دو صامت در شماره‌ی ۴ با هم مقایسه شده است.

/m/-/n/ : این دو صامت در شماره‌ی ۲۰ با هم مقایسه شده است.

/t/-/n/ : nā «گلو»، tā «همتا».

۲۱.۱.۲ /l/ : لثوی، کناری، باواک، با علامت نوشتاری «ل».

/r/-/l/ : kal «کچل، بز کوهی»، kar «کر».

۲۲.۱.۲ /r/ : لثوی، لرزشی، باواک.

/l/-/r/ : این دو صامت در شماره‌ی ۲۲ با هم مقایسه شده است.

۲۳.۱.۲ /y/ : نیم‌مصوت، کامی، باواک با علامت نوشتاری «ی».

/g/-/y/ : yā «دو زن که همسر دو برادر باشند، جاری»، gā «گاو».

/l/-/y/ : lu «هدر دادن آب»، yu «هم».

ب) مصوت‌ها

۲۴.۱.۲ /a/ : پیشین، باز، گسترده.

/o/-/a/ : tale «دام، تله»، tole «تکه».

/ā/-/a/ : va «بر»، vā «آباد».

۲۵.۱.۲ /ä/ : پیشین، باز، گسترده، کشیده:

/e/-/ä/ : räš «راهش»، reš «به او».

/ā/-/ä/ : dä «ده، روستا»، dā «دعا».

۲۶.۱.۲ /i/ : پیشین، بسته، گسترده.

/e/-/i/ : pi «پیه، چربی»، pe «پی دیوار».

/o/-/i/ : jil «گوشت سرخ زیرگلوی مرغ»، jol «جُل، پالان».

۲۷.۱.۲ /e/ : پیشین، نیمه‌بسته، گسترده.

/ʒ/-/e/ : reze «چفت در»، rezʒ «ریزه».

/o/-/e/ : pere «پرپروز»، pore «پسره».

۲۸.۱.۲. /ē/ : پیشین، نیمه‌بسته، گسترده، کشیده.

/i/-/ē/ : šēr «شیر، جانور»، šī(r) «شیر، خوردنی».

/ä/-/ē/ : šēr «شیر، جانور»، šär «شهر و شعر».

۲۹.۱.۲. /ë/ : پیشین، نیمه‌بسته، گسترده.

/3/-/ë/ : jënā «زیرگلو»، j3nā «زن‌ها».

/ö/-/ë/ : gëd «گرد»، göd «پایین».

۳۰.۱.۲. /3/ : پیشین، نیمه‌باز، گسترده (بین a و e).

/e/-/3/ : j3n «زن»، jen «جن و پری».

/õ/-/3/ : j3n «زن»، jõn «جان».

۳۱.۱.۲. /ẽ/ : پیشین، نیمه‌بسته، گسترده، خیشومی شده.

/ũ/-/ẽ/ : ässën «آستین»، ässün «آسان».

/a/-/ẽ/ : čën «چین (چیدن)»، čan «چند».

/e/-/ẽ/ : pačëya «اولین آب محصول»، pače «زراعت دیرکاشته».

۳۲.۱.۲. /ö/ : پیشین، نیمه‌بسته، گرد.

/a/-/ö/ : töf «تُف»، taf «تَف».

/ü/-/ö/ : dör «دور و اطراف»، dür «دور».

۳۳.۱.۲. /ü/ : پیشین، بسته، گرد.

/n/-/ü/ : jārü «جارو»، jāri «جاری، زن برادر شوهر».

/s/-/ü/ : türe «توبره»، tore «شغال».

۳۴.۱.۲. /u/ : پسین، بسته، گرد.

/o/-/u/ : mur «مار»، mor «دست‌نخورده».

/ö/-/u/ : tur «تور، دام»، tör «تور، وحشی».

۳۵.۱.۲. /ũ/ : پسین، بسته، گرد، خیشومی شده.

/a/-/ũ/ : kũt «کارد»، kat «شانه».

/ē/-/ũ/ āssūn «آسان»، āssēn «آستین».

۳۶.۱.۲ /o/ : پسین، نیمه‌بسته، گرد.

/u/-/o/ tor «چرخ، غلت»، tur «شبكة، دام».

/ö/-/o/ tow «تاب»، töw «تب».

۳۷.۱.۲ /õ/ : پسین، نیمه‌بسته، نیمه‌گرد، کوتاه (خیشومی شده).

/ē/-/õ/ dōn « _ دان (پسوند مکان)»، dēn «دین».

/o/-/õ/ tō « _ ت (ضمیر شخصی متصل)»، to «تو (ضمیر شخصی منفصل)».

۳۸.۱.۲ /õ/ : پسین، نیمه‌بسته، گرد، کشیده.

/ö/-/õ/ dōrr «داس»، dör «دور و اطراف».

/ä/-/õ/ dōne «می تاباند»، däne «ببند».

۳۹.۱.۲ /ā/ : پسین، باز، گرد.

/e/-/ā/ xār «آسان»، xer «خر، گلو».

/o/-/ā/ xāš «خوش»، xoš «خودش».

۴۰.۱.۲ /ã/ : پسین، باز، گرد، خیشومی شده.

/õ/-/ã/ bān «پنج»، bōn «بام».

و ãne: «آدینه». ãyn: «دهان». ãyse: «آهسته». ãyne: «آینه». ãng: «دهان».

ج) مصوت‌های مرکب این گویش عبارت‌اند از:

/ey/ : در کلمات: peyγamba «پیغمبر»، pey «پی، دنبال».

/āy/ : در کلمات: pāyz «پاییز»، āyse «آهسته».

/üy/ : در کلمات: tüy «توت»، düy «دود».

/ow/ : در کلمات: golow «گلاب»، döröwšiyōn «دروشیدن».

مصوت‌های مرکب این گویش را تنها از نگاه آواشناسی می‌توان مصوت مرکب دانست، ولی از نگاه واج‌شناسی هر کدام از این مصوت‌ها مجموعه‌ای مرکب از یک مصوت ساده و یکی از صامت‌های *y* و *v* هستند.

(د) فرایندهای آوایی (ابدال، حذف، افزایش، قلب):

۱- ابدال: در مقایسه‌ی گویش اردستانی با فارسی معیار، ابدال‌های زیر دیده

می‌شود:

۱.۱. ابدال صامت:

۱.۱.۱. [t]

[t] به [d] بدل می‌شود:

اردستانی	فارسی معیار	واژه
bālešd	bālešt	بالشت (بالش)
meyyed	meyyet	میت (مرده)

[t] در مجاورت صامت [s] در مرز دو هجا به [s] بدل می‌شود:

rossam	rostam	رستم
āssēn	āstin	آستین

[t] به [k] بدل می‌شود:

akse	atse	عطسه
zorak	zorat	ذرت

[t] به [y] بدل می‌شود:

tüy	tut	توت
-----	-----	-----

البته این ابدال باید از [d] به [y] انجام گرفته باشد. هم چنان که در برخی گویش‌ها [tut] را [tud] تلفظ می‌کنند.

۲.۱.۱. [d]

[d] به [t] بدل می‌شود:

gät	gard	گرد
ūt	ārd	آرد

[d] به [z] بدل می‌شود:

zonam	dānam	دانم (می‌دانم)
zumu	dāmād	داماد

[d] به [n] بدل می‌شود:

āne	ādine	آدینه (جمعه)
-----	-------	--------------

[d] به [y] بدل می‌شود:

piya	pedar	پدر
diyan	didan	دیدن

[d] به [s] بدل می‌شود:

qass	qasd	قصد
------	------	-----

[d] به [j] بدل می‌شود:

šivij	Šivit	شیوید (شِبِت، شوید)
-------	-------	---------------------

۳.۱.۱. [q]

[q] به [x] بدل می‌شود:

boxče	boqče	بقچه (دستمال)
-------	-------	---------------

āšxāl	āšqāl	آشغال
		[x] به [h] بدل می‌شود:
horos	xorus	خروس
hošk	xošk	خشک
		[k].۴.۱.۱
		[k] به [q] بدل می‌شود:
qālā	kalāγ	کلاغ
qöq	kabk	کبک
		[g].۵.۱.۱
		[k] به [g] بدل می‌شود:
pālegi	Pālaki	پالکی (هودج، صندوق)
		[k] به [q] بدل می‌شود:
req	Rig	ریگ
yeqōme	yegāne	یگانه
		[q] به [γ] بدل می‌شود:
laqad	lagad	لگد
		[b].۶.۱.۱
		[b] به [p] بدل می‌شود:
orip	orib	أریب (کج)
		[b] به [m] بدل می‌شود:
kasm	kasb	کسب

		[b] به [v] بدل می‌شود:
qāvā	qabā	قبا
vāju	bazar	بازار
valg	barg	برگ
		[p] .۷.۱.۱
		[p] به [b] بدل می‌شود:
sebe	sepid	سپید
bānj	panj	پنج
		[p] به [m] بدل می‌شود:
asm	Asp	اسپ
		[v] .۸.۱.۱
		[f] به [v] بدل می‌شود:
diful	divār	دیوار
		[f] .۹.۱.۱
		[f] به [p] بدل می‌شود:
gösplan	gusfand	گوسفند
pāxtä	fāxte	فاخته
		[f] به [h] بدل می‌شود:
horottan	foruxtan	فروختن
horoš	foruš	فروش
		[m] به [f] بدل می‌شود:
vaxm	vaqf	وقف

[n].۱۰.۱.۱

[n] به [m] بدل می‌شود:

hamūn	hanuz	هنوز
bom bass	bon bast	بن بست

[m].۱۱.۱.۱

[m] به [n] بدل می‌شود:

ōnde	omde	عمده
------	------	------

[s].۱۲.۱.۱

[s] به [š] بدل می‌شود:

šoŝtan	šostan	شستن
--------	--------	------

[š].۱۳.۱.۱

[š] به [j] بدل می‌شود:

kešmej	kešmeš	کشمش
--------	--------	------

[z].۱۴.۱.۱

[z] به [j] بدل می‌شود:

ajōn	arzān	ارزان
vāju	bāzār	بازار

[z] به [š] بدل می‌شود:

āšpeš	āšpaz	آشپز
-------	-------	------

[ž].۱۵.۱.۱

		[ž] به [j] بدل می‌شود:
jākat	zakat	ژاکت
jāndār	Žāndārm	ژاندارم

[j].۱۶.۱.۱

		[j] به [y] بدل می‌شود:
yōš	Juš	جوش
ye	Jow	جو

		[q] به [j] بدل می‌شود:
espenāq	esfenāj	اسفناج

[č].۱۷.۱.۱

		[č] به [j] بدل می‌شود:
hej	hič	هیچ
mōje	murče	مورچه

[r].۱۸.۱.۱

		[r] به [l] بدل می‌شود:
kaftāl	kaftār	کفتار
kolk	kork	کرک

[l].۱۹.۱.۱

		[r] به [l] بدل می‌شود:
lār	lāl	لال

[h].۲۰.۱.۱

[h] به [y] بدل می‌شود:

āyse	āheste	آهسته
deyam	dahom	دهم

[h] به [ä] بدل می‌شود:

zär	zahr	زهر
beräne	berehne	برهنه

[y].۲۱.۱.۱

[y] به [h] بدل می‌شود:

dohom	doyom	دُیم (دوم)
-------	-------	------------

۲.۱ ابدال مصوت‌ها

[a].۱.۲.۱

[a] به [e] بدل می‌شود:

efi	i'af	افعی
čonde	čoyondar	چغندر

[a] به [o] یا [ö] بدل می‌شود:

olow	alow	الو، شعله‌ی آتش، آتش
gorde	gardan	گردن

[a] به [ā] بدل می‌شود:

alef	alaf	علف
------	------	-----

sāllāxi	sallāxi	سلاخی
		[a] به [u] بدل می‌شود:
hunu	hanā	حنا
numu	namāz	نماز
		[a] به [i] بدل می‌شود:
fitir	fatir	فطیر
tivīl	tahvīl	تحویل
		[e].۲.۲.۱
		[a] به [a] بدل می‌شود:
amsāl	emsāl	امسال
šašam	šešom	ششم
		[e] به [o] بدل می‌شود:
sotēn	setun	ستون
		[e] به [ā] بدل می‌شود:
kānā	kenār	کنار
čānā	čenār	چنار
		[e] به [u] بدل می‌شود:
supudan	sepordan	سپردن
		[e] به [i] بدل می‌شود:
kiš	keš	کش (بکش)

zigil	zegil	زگیل
		[o].۳.۲.۱
		[O] به [a] بدل می‌شود:
baland	boland	بلند
gandam	gandom	گندم
		[e] به [e] بدل می‌شود:
alxāleq	ārxāloq	آرخالق
		[ā] به [o] بدل می‌شود:
nāxāš	nāxoš	ناخوش
nāxow	noxod	نخود
		[u] به [o] بدل می‌شود:
āγuz	āγoz	آغز
kulu	kolāh	کلاه
		[ā].۴.۲.۱
		[ā] به [a] بدل می‌شود:
ataš	ātaš	آتش
taqče	tāqče	طاقچه / طاقچه
		[e] به [ā] بدل می‌شود:
keteb	ketāb	کتاب

[ā] به [o] بدل می‌شود:

biyābōm	biyābān	بیابان
oftow	āftāb	آفتاب
azōm	azān	اذان

[ā] به [u] بدل می‌شود:

huk	xāk	خاک
hunu	hanā	حنا

[ā] به [i] بدل می‌شود:

qarbil	qarbāl	غریبال
--------	--------	--------

[u] .۵.۲.۱

[u] به [e] بدل می‌شود:

kolēn	kolun	کلون
teman	tumān	تومان

[u] به [o] بدل می‌شود:

āros	arus	عروس
bōm	bum	بوم

[i] .۶.۲.۱

[i] به [e] بدل می‌شود:

bālen	bālin	بالین
-------	-------	-------

āssēn	āstin	آستین
		[i] به [u] بدل می‌شود:
pātul	pātil	پاتیل
pušuni	pišāni	پیشانی

۳. ابدال خوشه‌های آوایی

خوشه‌ی [ān] به [um] بدل می‌شود:

<u>mukum</u>	makān	مکان
rumeki	rānaki	رانکی (پاردم)
		خوشه‌ی [āne] به [ōwa] بدل می‌شود:
rāziyōwa	rāziyāne	رازیانه
dōwa	dāne	دانه

خوشه‌ی [af] به [ō] یا [ow] بدل می‌شود:

kōš	kafš	کفش
kolows	karafs	کرفس

خوشه‌ی [an] به [em] بدل می‌شود

zembil	zanbil	زنبیل
embu	anbār	انبار

خوشه‌ی [or] به [ow] بدل می‌شود:

kowsi	korsi	کرسی
-------	-------	------

		خوشه‌ی [ar] به [ä] بدل می‌شود:
zädošti	zardošti	زردشتی
däd	dard	درد
		خوشه‌ی [ine] به [ëya] بدل می‌شود:
sëya	sine	سینه
		خوشه‌ی [ib] به [ow] بدل می‌شود:
sow	sib	سیب
		خوشه‌ی [adu] به [üy] بدل می‌شود:
küy	kadu	کدو
		خوشه‌ی [ab] به [ö] بدل می‌شود:
örešam	abrišam	ابریشم
ör	abr	ابر
		خوشه‌ی [ab] به [ow] بدل می‌شود:
nowš	nabš	نبش
		خوشه‌ی [ab] به [öw] بدل می‌شود:
löw	Lab	لب
		خوشه‌ی [ow] به [ö] بدل می‌شود:
göd	gowd	گود
		خوشه‌ی [ove] به [ābe] بدل می‌شود:

gābe	gove	گروه
		خوشه‌ی [ow] به [e] بدل می‌شود:
ye	Jow	جو
		خوشه‌ی [iː] به [y] بدل می‌شود:
reys	is`re	رئیس
		خوشه‌ی [eh] به [ey] بدل می‌شود:
meytä	mehtar	مهتر
		خوشه‌ی [āh] به [āb] بدل می‌شود:
mostarāb	mostarāh	مستراح
		خوشه‌ی [āh] به [āy] بدل می‌شود:
mālāyze	molāheze	ملاحظه
		خوشه‌ی [āhe] به [āy] بدل می‌شود:
māy	māhe	ماهه [یکماهه]
fāyše	fāheše	فاحشه
		خوشه‌ی [un] به [um] بدل می‌شود:
šugum	šegun	شگون
		خوشه‌ی [ude] به [uva] بدل می‌شود:
<u>ruva</u>	<u>rude</u>	روده
		خوشه‌ی [oh] به [i:] بدل می‌شود:
ki:ni	kohne	کهنه

		خوشه‌ی [uh] به [ov] بدل می‌شود:
kovassōm	kuhestān	کوهستان
		خوشه‌ی [āh] به [a:] بدل می‌شود:
ra:namā	rāhnemā	راهنما
		خوشه‌ی [av] به [ōy] بدل می‌شود:
handōnya	hendavāne	هندوانه
		خوشه‌ی [di] به [n] بدل می‌شود:
ānne	ādine	آدینه (جمعه)

۴. حذف

		حذف کسره‌ی اضافه (e):
dot pādešā	doxtare pādešāh	دخترِ پادشاه
j3n pādešā	zane pādešāh	زن پادشاه
		حذف [i]:
pāyz	pāyiz	پاییز
		حذف [ʼa] میانی:
sāt	atʼsā	ساعت
		حذف [b]:
exun	bexān	بخوان
erošmā	bešmār	بشمار

		حذف [t]:
kolof	koloft	کلفت
raxkan	raxtkan	رختکن
		حذف [h] پایانی:
šā siyā	šāh siāh	شاه سیاه
lobā	rubāh	روباه
		حذف [h] آغازی:
izma	hizom	هیزم
		حذف خوشه‌ی [ha] میانی:
esterāt	esterāhat	استراحت
		حذف [x] پایانی:
mele	malax	ملخ
		حذف خوشه‌ی [da]:
berār	barādar	برادر
		حذف [d]:
yāze	yāzde	یازده
vu	bād	باد
espan	esfand	اسفند
		حذف [da] میانی:
mār	mādar	مادر

		حذف [r]:
ambo	ambor	انبر / امبر
čonde	čoyondar	چغندر
		حذف [z]:
rö	ruz	روز
		حذف [n]:
āxiri	āxarin	آخرین
		حذف [ɣ]:
qālā	kalāɣ	کلاغ
		حذف [g]:
sandōm	sang dān	سنگدان
rānrej	rang raz	رنگرز
		حذف [v]:
gā	gāv	گاو
		حذف [y] پایانی:
pātaxt	pāytaxt	پایتخت
nā	nāy	نای
		حذف [ɣ]:
Ōdo	āb duy	آب دوغ

۵. افزایش

افزایش [t]:

sejelt sejel سَجَل

افزایش [l]:

alval avval اوّل

selendeli sandali صندلی

افزایش هم‌خوان [مشدد]:

āssūm āsān آسان

ronnās ronās رُنّاس

افزایش [q]:

hovoq havu هَوو (زن دوم)

۶. قلب:

قلب [k و s]:

barask bar>aks برعکس

vāsk vāks واکس

قلب [b و r]:

kirbit kebrit کبریت

		قلب [l]:
qolf	qofl	قفل
Sale	šarhe	شرحه
		قلب [f و t]:
keft	katf	کتف

۷. توزیع واج‌ها

الف - توزیع صامت‌ها:

همه‌ی صامت‌های گویش اردستانی می‌توانند در اول، وسط و آخر هجا قرار گیرند؛ به‌جز صامت h که در آخر هجا نمی‌آید.

ب - توزیع مصوت‌ها:

همه‌ی مصوت‌های این گویش می‌توانند در اول و وسط و آخر هجا قرار گیرند.

۸. ساخت هجا

ساخت هجا در گویش اردستانی (C) (C) 'cv یا صامت مصوت (صامت) (صامت) است.

ساخت	مثال اردستانی	معنی هجایی
cv	nā	نای
cvc	tel	شکم
cvcc	gabr	گبر (زرتشتی)

ب. ساخت واژه (صرف):

۱. مفرد و جمع

تعدد اسم در گویش اردستانی به دو صورت نشان داده می‌شود:

۱.۱. با صفت شمارشی (عدد) که پیش از اسم می‌آید. اسمی که بعد از عدد می‌آید

مفرد است؛ مانند:

[se tā asb] «سه اسب»، [vis tā toxmo] «بیست تخم مرغ».

۲.۱. با پسوند تصریفی جمع‌ساز که در آخر اسم می‌آید. پسوندهای این گویش

عبارت‌اند از: hā و ā:

مانند واژه‌های:

[gā-hā] «گاوها»، [vača-hā] «بچه‌ها»، [dot-hā] «دخترها»، [pore-hā] «پسرها».

و برای پسوند ā:

[j3n-ā] «زن‌ها»، [boz-ā] «بزها»، [asb-ā] «اسب‌ها».

هرگاه واژه، مختوم به مصوت باشد، صامت‌های میانجی /v/ و /y/ در میان واژه و

مصوت قرار می‌گیرد:

[šö-v-ā] «شبه‌ها»، [so-v-ā] «سیب‌ها»، [kulu-v-ā] «کلاه‌ها».

[golovi-y-ā] «گلابی‌ها»، [goči-y-ā] «گوساله‌ها»، [bnge-y-ā] «بندآب‌ها».

در بعضی محله‌ها اردستان از پسوند u- نیز استفاده می‌شود: [bolbol-u] (اشمیت،

۱۳۸۳: ۵۳۲)

۲. مذکر و مؤنث

در گویش اردستانی جنس دستوری وجود ندارد.

۱.۲. برای بازشناسی جنس حیوان‌ها از اسم‌های مخصوص برای آن‌ها استفاده

می‌شود:

[mele] «گاو نر»، [naxri] «گاو ماده».

۳. معرفه و نکره

معرفه در گویش اردستانی با نشانه‌ی O به دنبال اسم ساخته می‌شود:
[doto bemo] «دختر آمد»، [poro bušo] «پسر رفت»، [ka:go bemäd] «مرغ مُرد».
نشانه‌ی نکره در گویش اردستانی /ē/ است که در پایان اسم می‌آید:
[itā meädē] «یک مردی»، [itā dotē] «یک دختری».
[itā j3nē] «یک زنی»، [itā kiyēy] «یک خانه‌ای».

۴. اضافه

در گویش اردستانی نشانه‌ی اضافه مانند فارسی معیار و برخی گویش‌های هم‌جواری گاهی حذف می‌شود که این روش بیشتر رایج است.
[dot pādešā] «دختر پادشا»، [dot mā] «دختر من»، [kiyē šumu] «خانه‌ی شما».
نشانه‌ی اضافه /e/ است:
[ove säd] «آب سرد»، [ove asöm] «آب اردستان»، [vaxte mädan] «وقت مردن».

۵. حروف اضافه

[düm] «بر»، [az] «از»، [ba²] «در».
[xo] «با»، [ve] «بی»، [be] «به».
[vāse] «برای»، [ro] «برای، به خاطر»، [tero] «برای تو»، [tā] «تا»، در معنای ظرف مکان و زمان.

۶. حروف ربط

/O/ برای عطف به کار می‌رود:

«شب و روز»، [šov- o ro] «دختر و پسر»، [dot- o por] «عروس و داماد»، [āros- o zumu]

[ke] «که ربط و موصول»:

[mā bimiyom ke šumu bevenom] «من آمدم که شما را ببینم».

[gām ke dud bemäd] «گاوِی که داشتم، مُرد».

[ege] «اگر»، [mege] «مگر»، [yā] «یا».

[če] «چه»، [ham] «هم».

۷. صفت

در گویش اردستانی صفت بعد از موصوف قرار می‌گیرد. ترکیب وصفی در این گویش به دو شکل زیر است:

۱.۷. با استفاده از کسره‌ی اضافه میان موصوف و صفت:

[daraxt e sowz] «درخت سبز»، [por e zarang] «پسر زرنگ»، [derext e baland] «درخت بلند».

۲.۷. حذف کسره‌ی اضافه:

[hāvāy sālem] «هوای سالم»، [deryā got] «دریای بزرگ»، [roxöwa pa:n] «رودخانه‌ی پهن». [meš sebe] «میش سفید».

۸. صفت تفضیلی و عالی

الف. صفت تفضیلی با افزودن تکواژ [tar.tä] «تر» به صفت ساده ساخته می‌شود:

[ni enjil az un enjil vätare] «این انجیر از آن انجیر بهتر است».

[bä kiye mā vätar az hasane] «درِ خانه‌ی من بهتر از حسن است».

در گویش اردستانی [ɾ] پایانی پسوند تفضیلی‌ساز، در خارج از جمله تلفظ نمی‌شود؛ درحالی‌که در جمله تلفظ می‌شود. حذف [ɾ] پایانی یکی از ویژگی‌های این گویش است.

[keštā] کوچک‌تر، [godtā] بزرگتر، [veštā] بیشتر.

ب. صفت عالی با افزودن پسوند [terin] به صفت ساده ساخته می‌شود:

[ni golowi väterin golowiye] «این گلابی بهترین گلابی است».

[sōz terin] «سبزترین»، [sorx terin] «سرخ‌ترین»، [sebe terin] «سفیدترین».

۹. قید

در گویش اردستانی هم‌چون فارسی، بسیاری از صفت‌ها و اسم‌ها، در نقش قید نیز عمل می‌کنند؛ مانند: [rowā jōmowerā koy nātoren] «روزها جانوران بیرون نمی‌آیند». [ni meš xob ālefo olang nāxore] «این میش، خوب، علف نمی‌خورد».

۱.۹. انواع قید

۱.۱.۹. قید زمان:

[ham3š] «همیشه»، [dēr] «دیر»، [zu] «زود»، [heššo] «دیشب»، [sobb] «صبح»، [pišim] «ظهر»، [pesim] «عصر»، [sahal] «سحر»، [hēzē] «دیروز». ع. [a:ro] «امروز»، [fādā] «فردا»، [perešo] «پریشب»، [čāšd] «چاشت، حدود ساعت ۱۰ صبح».

۲.۱.۹. قید مکان:

[antā] «این‌جا»، [ūwā] «آن‌جا»، [bālu] «بالا»، [gāre] «پایین»، [peš] «پیش»، [nezik] «نزدیک»، [je] «زیر»، [düm] «رو».

۳.۱.۹. قید مقدار:

[fārāvō] «فراوان»، [xeyli] «خیلی»، [besyār] «بسیار»، [kam] «کم».

۴.۱.۹. قید حالت:

[xandōm] «خندان»، [barma konōm] «گریه‌کنان»، [dor be das] «داس به دست».

۵.۱.۹. قید تأیید و تصدیق:

[bale] «آری، بله»، [āhā] «بله، آری»، [hā ba:le] «بله، آری».

۶.۱.۹. قید نفی:

[na] «نه»، [hargez] «هرگز»، [aslan] «اصلاً».

۷.۱.۹. قید ترتیب:

[pesa: yu] «پی در پی»، [paškalle yu] «پی‌پی»، [seri] «نخست»، [alval] «نخست».

۸.۱.۹. قید تأکید:

[vešak] «بی‌شک»، [nāčār] «ناچار».

۱۰. اعداد

در گویش اردستانی اعداد به اعداد اصلی، ترتیبی و کسری تقسیم می‌شود:

۱.۱۰. اعداد اصلی

[ye] و [i] «یک»، [čār] «چهار»، [bānj] «پنج»، [de] «ده»، [duwāze] «دوازده»،

[bōnze] «پانزده»، [höde] «هفده»، [hažde] «هجده»، [nöze] «نوزده»، [vis] «بیست»،

[deves] «دویست»، [hey sad] «هشتصد»، [no:sad o bānjowo do] «۹۵۲»، [itā] «یک».

در گویش اردستانی به دنبال عدد معمولاً پسوند tā ظاهر می‌شود:

۱۰.۲. اعداد ترتیبی

الف. با افزودن تکواژ [am] به عدد اصلی ساخته می‌شود:

[dohom] «دوم»، [seyam] «سوم»، [čāram] «چهارم»، [bānjam] «پنجم»، [šešam] «ششم»، [haftam] «هفتم»، [haštam] «هشتم»، [noham] «نهم»، [deyam] «دهم».

[am] در «دوم» به [om] تبدیل می‌شود.

ب. گویش اردستانی، مانند فارسی معیار از اعداد ترتیبی بدون نشانه نیز استفاده می‌کند:

[alval] «اول»، [seri] «نخست، اول»، [āxe] «آخر».

۳.۱۰. اعداد کسری

[ye deyam] «یک‌دهم»، [ye noham] «یک‌نهم».

۱۱. ضمیر

۱.۱۱. ضمایر شخصی

۲.۱۱. ضمایر شخصی منفصل

[mā] «من»، [to] «تو»، [ūn] «او» و [i] و [ni] «این». [humu] «ما»، [šumu] «شما»، [išūm] «ایشان» و [niyā] «آنها».

۳.۱۱. ضمایر شخصی متصل (فاعلی)

جمع			مفرد		
šō-š(ū) «شان»	to/dō(ū) «تان»	mō(ū) «مان»	š- «ش»	t/d «ت»	m «م»

پسرش	poraš	پسرت	porad	پسرم	Poram
پسرشان	porešū(m)	پسرتان	poredū(m)	پسرمان	poramū(m)

مثال برای صرف مصدر piyāmūn (خواستن) در زمان‌های گذشته استمراری، حال و حال منفی به کمک ضمائر شخصی متصل (فاعلی):

گذشته ساده:

حال منفی		حال		گذشته استمراری	
جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد
nemō(m) piye	nem piye	piyemōm	piyam	piyomōm	Piyom
nedō(n) piye	net piye	piyedō(n)	piyed	piyodō(n)	Piyod
nešō(n)piye	neš piye	piyešō(n)	piyeš	piyōšō(n)	Piyoš

۴.۱۱. ضمائر شخصی متصل

۵.۱۱. ضمائر مشترک

خودش	xoš	خودت	xod	خودم	Xom
خودشان	xošō(m)	خودتان	xodō(m)	خودمان	xomō(m)

[humū xomōn bušom] «ما خودمان رفتیم».

۶.۱۱. ضمائر اشاره

[ni] «این»، [niya] «این‌ها»، [ū] «آن»، [ūhā] «آن‌ها».

[niš bud] «این را آورد»، [niyā kuwan] «این‌ها چه کسانی هستند؟»

[ūwaš bud] «آن را آورد»، [ūhā kiyā han] «آن‌ها چه کسانی هستند؟»

۷.۱۱. ضمائر مبهم

[hičči] «هیچ چیز»، [hiški] «هیچ کس»، [hič] «هیچ».

۸.۱۱. ضمائر پرسشی

[āyā] «آیا»، [čoro] «چرا»، [key] «کی، چه وقت»، [ki] «چه کسی»، [kudum] «کدام».

۹.۱۱. ضمائر تعجیبی

[če] «چه» و [ajab] «عجب»؛ [če gōd] «چه بزرگ!»، [ajab sebe] «عجب سفیدا!».

۱۲. فعل

فعل در گویش اردستانی براساس دو زمان حال و گذشته و وجوه اخباری، التزامی و امری و نیز نمود مستمر ساخته می‌شود.

عناصر تشکیل دهنده‌ی گروه‌های فعلی عبارت‌اند از: ستاک حال، ستاک گذشته، شناسه‌های فعلی، پیشوندهای فعلی و فعل‌های کمکی.

۱.۱.۱۲. ستاک حال

ستاک حال در گویش اردستانی پس از حذف شناسه‌ها و پیشوندهای فعلی از زمان حال (اخباری و التزامی) و فعل امر به دست می‌آید:

نوع فعل	گونه اردستانی	ستاک حال	مصدر فارسی
حال اخباری	vë-ker-e	ker	کردن
حال التزامی	be-čen-e	čen	چیدن
امر	ve-band	band	بستن

در مثال‌های بالا [ve-] و [be-] پیشوند فعلی و [-e] شناسه است.

صرف فعل دوشیدن در مضارع اخباری:

مفرد	جمع
------	-----

došam	می دوشیم	došom	می دوشم
došēm	می دوشید	dose	می دوشی
došām	می دوشند	doša	می دوشد

صرف فعل خوردن در مضارع التزامی:

boxoram	بخوریم	boxorom	بخورم
boxorēm	بخورید	boxore	بخوری
boxorām	بخورند	boxora	بخورد

گاهی تلفظ **be** نیز برای ساخت فعل التزامی به کار می‌رود: **bammare** بمیرد.

صرف مصدر «خوردن» در مضارع ملموس:

dāram xoram	داریم می خوریم	dārom xorom	دارم می خورم
dārēm xorēm	دارید می خورید	dāre xore	داری می خوری
dāran xoram	دارند می خورند	dāra xora	دارد می خورد

صرف مصدر «خوردن» به صورت وجه امری امر:

boxo	بخور
boxorēm	بخورید

۲.۱.۱۲. ستاک گذشته

در گویش اردستانی پس از حذف نشانه‌های مصدر [-an] «ن» و [āmum] «اموم» به دست می‌آید. ماده‌ی ماضی، به جز صرف فعل (ماضی، ماضی استمراری) برای ساخت مفعولی نیز به کار می‌رود. صفت مفعولی را در این گویش برای ساخت زمان‌های ترکیبی به کار می‌برند.

صرف مصدر **suttan** (ساختن) در ماضی ساده:

جمع		مفرد	
bimūm sut	ساختیم	bim sut	ساختم
bidūm sut	ساختید	bid sut	ساختی
bišūm sut	ساختند	biš sut	ساخت

ماضی استمراری:

جمع		مفرد	
suttamūm	می ساختیم	suttam	می ساختم
suttadūm	می ساختید	suttad	می ساختی
suttašūm	می ساختند	suttaš	می ساخت

ماضی نقلی:

جمع		مفرد	
bimūm sutta	ساخته ایم	bim sutta	ساخته ام
bidūm sutta	ساخته اید	bid sutta	ساخته ی
bišūm sutta	ساخته اند	biš sutta	ساخته است

ماضی بعید:

جمع		مفرد	
bimum sutte bo	ساخته بودیم	bim sutte bo ^۳	ساخته بودم
bidum sutte bo	ساخته بودید	bid sutte bo	ساخته بودی
bišum sutte bo	ساخته بودند	biš sutte bo	ساخته بود

ماضی التزامی:

جمع		مفرد	
bimum sutte bö	ساخته باشیم	bim sutte bö	ساخته باشم
bidum sutte bö	ساخته باشید	bid sutte bö	ساخته باشی
bišum sutte bö	ساخته باشند	biš sutte bö	ساخته باشد

ماضی ملموس (مستمر):

جمع		مفرد	
dudemüm suttedüm	داشتیم می ساختیم	dudam suttam	داشتم می ساختم
dudedüm suttedüm	داشتید می ساختید	duded suttad	داشتی می ساختی
dudešümsuttadüm	داشتند می ساختند	dudeš suttad	داشت می ساخت

ماضی ساده:

جمع		مفرد	
bušom	رفتیم	bušom	رفتم
bušoyd	رفتید	bušoy	رفتگی
bušon	رفتند	bušo	رفت

ماضی استمراری:

جمع		مفرد	
šom	می رفتیم	šom	می رفتم
šoyd	می رفتید	šoy	می رفتگی
šon	می رفتند	šo	می رفت

ماضی نقلی:

جمع		مفرد	
bišiyam	رفته ایم	bišiyam	رفته ام
bišiyen	رفته اید	bišiyey	رفته ای
bišiyān	رفته اند	bišiya	رفته است

ماضی بعید:

جمع		مفرد	
bišiyē boym	رفته بودیم	bišiyē bom	رفته بودم
bišiyē boyn	رفته بودید	bišiyē boy	رفته بودی
bišiyē bon	رفته بودند	bišiyē bo	رفته بود

ماضی التزامی:

جمع		مفرد	
bišiyē böym	رفته باشیم	bišiyē böm	رفته باشم
bišiyē böyn	رفته باشید	bišiyē böy	رفته باشی
bišiyē bön	رفته باشند	bišiyē bö	رفته باشد

ماضی مستمر (ملموس):

جمع		مفرد	
dudemūm šom	داشتیم می رفتیم	dudam šom	داشتم می رفتم
dudedūm šoyd	داشتید می رفتید	duded šoy	داشتی می رفتی
dudešūm šon	داشتند می رفتند	dudeš šo	داشت می رفت

۳.۱.۱۲. فعل آینده

فعل آینده در گویش اردستانی، هم‌چون فارسی معیار با صرف «مصدر کمکی» piyāmūn به معنی «می‌خواهم» و صرف فعل اصلی به صورت مضارع و در وجه التزامی ساخته می‌شود:

ساخت آینده از مصدر suttan «ساختن»:

جمع		مفرد	
piyemūm bosāzam	می‌خواهیم بسازیم	piyam bosāzom	می‌خواهم بسازم
piyedūm bosāzēn	می‌خواهید بسازید	piyed bosāze	می‌خواهی بسازی
piyeshūm bosāzan	می‌خواهند بسازند	piyesh bosāze	می‌خواهد بسازد

ساخت فعل امر:

فعل امر با استفاده از پیشوند be و bo ساخته می‌شود:

bešen	بروید	beše	برو
bosāzen	بسازید	bosāz	بساز

۴.۱.۱۲. فعل مجهول

فعل مجهول در گویش اردستانی با افزودن -iy به ماده‌ی مضارع ساخته می‌شود.

مثال برای مصدر suttan «ساختن»:

جمع		مفرد	
bosāziyom	ساخته شدیم	bosāziyom	ساخته شدم
bosāziyoyd	ساخته شدید	bosāziyoy	ساخته شدی
bosāziyon	ساخته شدند	Bosāziyo	ساخته شد

۱۳. صفت مفعولی

صفت مفعولی از بن ماضی + پسوند ā ساخته می‌شود. گاهی نیز ā به e بدل می‌شود؛ این تبدیل بیشتر تحت تأثیر فارسی معیار است. مثال برای «ā»:

dāketā افتاده

pāsā پرسیده

صفت مفعولی در ساختمان زمان‌های ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی التزامی به کار

می‌رود:

suttee ساخته

košte کشته

māde مرده

۱۴. نتیجه‌گیری

۱. گویش اردستانی هفده مصوت دارد که آن را در میان گویش‌های ایرانی منحصر به فرد می‌کند. حال آن که صامت‌های آن، همان صامت‌های زبان فارسی است؛

۲. این گویش به لحاظ فرایندهای آوایی (ابدال، حذف، افزایش و قلب) تفاوت چندانی با فارسی معیار ندارد.

۳. این گویش جنس دستوری ندارد.

۴. این گویش مضاف‌الیه را بدون استفاده از کسره‌ی اضافه، پس از مضاف می‌آورد.

۵. نشانه‌ی نکره‌ساز در این گویش برخلاف گویش‌های هم‌سان و هم‌جوار، ē است؛ مانند: porē (پسری) و نشانه‌ی اشاره ē است.

۶. ضمن آن که صرف فعل بر دو ماده‌ی ماضی و مضارع استوار است، صرف فعل

در گویش اردستانی تفاوت‌های بسیاری با فارسی معیار دارد.

یادداشت‌ها

۱. C مخفف consonant (صامت) و v مخفف vowel (مصوت) است.
۲. پی‌یرلکوک این ضمایر را به ترتیب چنین ذکر می‌کند: .amũš .homũ .to.me .niyā (اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۳۲)
۳. در بعضی محلات «bem» تلفظ می‌شود.

کتاب نامه:

۱. ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۸۵)، «بررسی کتاب‌شناختی گویش‌های مرکزی ایران»، نخستین همایش سراسری گویش‌های محلی و مردم‌شناسی انارک، ص ۱۸۰-۱۵۷.
۲. اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳)، راهنمای زبان‌های ایرانی، ترجمه‌ی فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس.
۳. جکسون، ابراهیم، ودیگران (۱۳۶۹)، سفرنامه‌ی جکسون، ترجمه‌ی منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
۴. رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۰)، معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایران، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۵. گلبن، محمد (۱۳۸۱)، اردستان‌نامه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

1. Bailey, H.W. 1933-1935. Iranian Studies IV, BSOS 7, 769-778 .
2. Kent, R.J. 1953. Old Persian. New Haven, Connecticut.
3. Lecoq, p. 1982. .Ardestani. EncycloPedia IRANICA. 751 II.